



امیرالمؤمنین دشمن‌ها را تقسیم‌بندی می‌کرده؛ در قضیه نهروان که دشمنان ۱۰۰ هزار نفر بودند، حضرت گفت از این ۱۰ هزار نفر هر کسی که بیاید این طرف این پرچی می‌کم من نصب کرده‌ام، ما با او جنگ نداریم؛ آمدند، اکثر آنها! ام‌دندان طرف.

حضرت فرمود بروید، رهایشان کردند. بله، آنهایی که ماندند و

لجاج کردند و تعصب کردند، با آنها جنگید؛ بر آنها هم غلبه پیدا

تحلیل
نعمت داوری‌ناه



بررسی جایگاه مفهوم «بیعت» در اندیشه اسلامی

«بیعت»، ساز و کار اعمال مشروعیت

در اسلام، ابتدایی‌ترین نمود مردمی یون حکومت، با مدل بیعت تحقق پیدا کرده‌است و بیعت‌های مکرر با پیامبر و بیعت با خلفای پس از آن به جایگاه این اقدام

در اندیشه اسلامی اشاره دارد. مسلمانان با اجرای عقد بیعت در واقع اعلان وفاداری نسبت به حاکم می‌نمودند و تبعاً این مسئله منتج به شکل‌گیری حکومت یا تثبیت آن می‌شد. کاملاً عقلانی است که مهم‌ترین تضمین برای شکل‌گیری و تداوم یک حکومت، همراهی و وفاداری مردم است. حتی اگر در رأس این حکومت، امام معصوم یا انبیای الهی باشند. سنت الهی بر این نیست که با امداد غیبی از ولی خود حمایت کند. در ادامه ویژگی‌های بیعت در اندیشه اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ریشه بیعت در تاریخ اسلام

«بیعت» و «بایع» هر دو از یک ریشه هستند و بیع به معنی خریداری و فروشنده‌گی به کار می‌رود. مشخص است واژه بیعت نیز در ذات خود نوعی معامله نهفته دارد. اعراب زمان مبادله کالا دست خود را روی دست طرف مقابل می‌گذاشتند که به این عمل «بیعه» می‌گفتند. از این جهت بیعت در مفهوم سیاسی با واژه بیع در فرایت معنا و لفظی است که همانطوری که در بیع کالایی در مقابل پول یا کالای دیگری مبادله می‌شود، در بیعت نیز بیعت‌کننده به اطاعت از حاکم در مقابل التزام حاکم به اجرای قوانین و مصالح جامعه آمادگی خود را اعلام می‌کنند. این اثر در توضیح لفظ بیعت، آن را معامله‌ه و مقابله بر اسلام می‌داند، به این صورت که هر کدام از طرفین، چیزی که نزد طرف مقابل است را خریداری و اطاعت از او و حق دخالت در امورش را به او واگذار می‌کنند.

این واژه از عصر جاهلیت سابقه دارد و زمانی که رئیس قبیله به عنوان برگزیده و بزرگ‌تر آن قبیله انتخاب می‌شد، مردم از او حمایت می‌کردند. در ازای حمایت کامل آنان از رئیس قبیله، او نیز متعهد می‌شد تا با تمام نیروهایش از آنها دفاع نماید. در میان عرب، بیعت از چنان مفهوم ارزشی برخوردار بود که کسی حاضر به شکستن بیعت نبود و بیعت شکنی امری بسیار مذموم، پست و تخطی بیگانه‌گی به حساب می‌آمد.

اولین بیعت در دین پیامبر که مشهور به «بیعت اسلام» شد توسط امام علی (ع) و حضرت خدیجه (س) پس از اولین دعوت ایشان به نبوت خودشان صورت گرفت، اما با تعریف عمومی و حکومتی از بیعت، اولین بیعت جدی با پیامبر در عقبه اول و دوم اتفاق افتاد و پس از آنکه قبایل اوس و خزرج پذیرفتند تحت حکومت پیامبر باشند و در عوض ایشان اختلافات میان این دو قبیله را داوری کنند. از این پس «بیعت» به عنوان یکی از اصول اسلامی در دین مطرح ماند به طوری که علاوه بر بیعت عقبه و بیعت اسلام، بیعت‌هایی چون بیعت رضا و بیعت رضوان، بیعت پیروزی و بیعت جن، به رویدادهای مشهوری در دوران حیات پیامبر تبدیل شدند.

در قرآن شش مرتبه به واژه بیعت اشاره شده است و چهار مرتبه آن اشاره مستقیم است. علاوه بر این از واژگانی چون «عقد» و «عهد» و «میثاق» نیز به عنوان مترادف‌های این واژه استفاده شده است. از نمونه‌های اشاره به بیعت در قرآن، آیه ۸ سوره فتح است که به ماجرای بیعت «رضوان» اشاره دارد: «همانا خداوند راضی شد از مومنان زمانی که جز بر درخت با تو بیعت کردند، پس دانست در قلب آنان چه می‌گذرد و آرامشی بر آنان فرود

امیرالمومنین دشمنانش را تقسیم‌بندی می‌کرد

کرد. یعنی تدبیر در اداره کشور؛ شناختن دشمن، شناختن دوست؛ همه دشمنان یک‌جور نیستند؛ از بعضی‌ها صرف‌نظر کرد.

بعضی‌ها با امیرالمؤمنین همان اول کار بیعت نکردند؛ مالک اشتر بالاسر حضرت ایستاده بود، شمشیر هم دستش بود، گفت یا امیرالمؤمنین! اجازه بده این آدمی که با تو بیعت نمی‌کند گردنش را بزنم؛ حضرت خندیدند، گفتند نه، این

اندیشه

جوان هم که بود، آدم بداخلاقی بود، آدم تندی بود؛ حالا هم پیر شده، تندتر شده، بگنار برود؛ ولش کردند و رفت. این تدبیر است؛ بالاترین تدبیر این است که کسی که در رأس قدرت است، بداند تا چه کسی طرف است و با هر کسی چه‌جور باید رفتار کند؛ از خصوصیات حکومتی امیرالمؤمنین یکی این بود.

بیانات رهبری در دیدار با مردم ۹۵/۶/۲۰



روایات فراوانی داریم که بیعت با امام صالح را به طوقی تشبیه می‌کنند که بر گردن بیعت‌کننده است و نکت این بیعت را از گناهان بزرگ بر شمرده‌اند. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «آن کسی که از جماعت (اتحاد) مسلمین فاصله بگیرد و بیعت خود را با امامش بشکند، روز قیامت دست بریده محشور خواهد شد.» البته همه موارد فوق در صورتی است که امام جامعه نیز بر عهد خود که عمل به شریعت اسلام است پایبند باشد و اگر دچار عدم تقید به اسلام، سست ایمانی، انجام فسق و گناهان آشکار و نظیر آن شد، طبق نگاه علمای امامیه، خود به خود از ولایت خارج است و بلکه بر مسلمین خلع او جایز و حتی در صورت ایجاب شرایط واجب است.

شرایط بیعت

روایات اسلامی ویژگی‌هایی برای بیعت با امام مسلمین بر شمرده‌اند که برخی از آنان از این قرارند:

۱- قدرت و توانایی در اجرای مفاد بیعت: هم بیعت‌کننده به هم بیعت‌پذیر باید توانایی انجام بیعت را داشته باشند. عبدالله بن عمر می‌گوید ما با رسول خدا بیعت کردیم که هر چه ایشان گفت گوش کنیم و اطاعت نماییم. سپس رسول خدا فرمودند: «در حد توانایی»

۲- بلوغ: افرادی مورد عهد بیعت قرار می‌گیرند که بالغ باشند. از همین رو امام حسین (ع) می‌فرمایند:

«پیامبر(ص) با هیچ فرد نابالغی بیعت نکرد، مگر من

وحسن(ع).»

۳- اطاعت در غیر معصیت خدا: هر چند بیعت‌کننده، در معنای متداول بیعت با امام، آنچه از قرآن و روایات اسلامی برمی‌آید، آن است که مردم زمانی که با امام بیعت می‌کنند، در واقع اختیار مال و جان خود را به او واگذار می‌کنند. در واقع بیعت با امام جامعه همانطور که در آیات فوق اشاره شد، دست آنان است (خداوند نیز با آنان بیعت می‌کند). پس هر کس بیعت بشکند، علیه خودش بیعت شکسته و هر کس بر بیعتی که با خدا نموده وفادار بماند، پس پاداشی عظیم به او خواهیم داد.»

مفاد بیعت در نگرش اسلامی

بیعت در سیره پیامبر و معصومین (علیهم السلام) شئون و مراتب متفاوتی دارد. بیعت‌های سیاسی نیز معمولاً بنا بر شرایط و اقتضات گروه بیعت‌کننده (تعداد آنان، میزان خلوص آنان و…) متفاوت است. گاه بیعت در حدی است که فرد متعهد، می‌پذیرد با فرد مورد تعهد، به جنگ نپردازد یا در صورت شروع جنگ او با گروه ثالث، بخشی از امکانات خود را در اختیارش بگذارد، اما گاهی بیعت به

مردم (به عنوان امام جامعه) دانسته‌اند: «و اما حقی مردم فالقوا فی البیعه.» اما نکت بیعت به معنی نقض عهد و پیمان شکنی است و این کار هم از نظر اخلاقی مذموم است و هم از نظر شرعی گناه به حساب می‌آید. قرآن در توصیف ویژگی‌های مومن، وفای به بیعت را یکی از شاخصه‌ها دانسته «الموفون بعهدهم اذا عاهدوا» (بقره ۱۷۷) «و برای پیمان شکنان، سزای ناگواری وعده داده شده است: «و اگر بعد از عهدشان، پیمان شکنی کنند و به شما که پیمان خود را نگه داشته‌اید طعنه بزنند، پس شما خود با (این) کفار (عهدشکن) مبارزه کنید که ایشان را رسم سوگند نگاه داشتن نیست، باشد که از عمل خود دست کشند. آیا حاضر نیستید با کسانی که بیعت شکنی کردند بجنگید؟» (توبه ۱۱ و ۱۲)

نگاه

مبانی دینی توسعه کوثری

مدل سرمایه‌داری و مدل سوسیالیستی، دو مدل از توسعه تکثاری است که سرمایه‌رانتها به دست سرمایه‌دار قرار می‌دهد. اعم از اینکه سرمایه‌دار، شرکت‌ها و کمیته‌های خصوصی یا دولت باشد. خداوند سبحان می‌فرماید: «ما آفاه الله علی رَسوله مِن أَهْلِ الْقَرَى فَلِلّهِ وَ لِلسُّوْلِ وَ لِذی الْقُرْبَى وَ الْیَتَامَى وَ الْمَسَاكینِ وَ اِبنِ السَّبیلِ کِیْ لَا یَکُونَ ذُوْلَةٌ بَیْنَ الْاَغْنِیَاءِ مُتَکَبِّرٌ وَ مَا اَتَاکُمُ الرَّسُوْلُ فَخُذُوْهُ وَ مَا نَهَاکُمْ عَنْهُ فَاتَّقُوْهُ وَ اَقْوَالَهُ اِنَّ اللهَ شَدیدُ الْعِقَابِ» آن چیزهایی که خداوند از ثروت مردم این شهر نصیب پیامبر خویش کرد، از آن خدا، رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است تا در بین سرمایه‌داران شما دست به دست نگردد و آنچه پیامبر برای شما می‌آورد، به کار بندید و آنچه نهدی می‌کند خودداری نماید. از خدا بترسید که خداوند مجازات شدیدی دارد.

جوامع دارای توسعه تکثاری، گرفتار از خود بیگانگی و مبتلا به

آسیب‌های اجتماعی به ویژه از هم‌باشیدگی خانوادگی است و نظام خانواده در اثر اوج شهوت فرو نشسته است. آیا این کشورها که به انواع مختلف خودبیگانگی «از خودبیگانگی» شغلی و شهوانی و غیره مبتلایند و کشورهای



دیگر را به استعمار و استضعاف می‌کشاند و خود گرفتار اسراف و تبذیرند را می‌توان جوامع توسعه یافته دانست؟

به تعبیر دکتر شریعتی، یکی از فاجعه‌های نوع انسانی در قرن حاضر، الیناسیون (Alienation) انسان است. البته شدن بیماری‌ای است که انسان خودش را آنچنان که واقعیت و حقیقت دارد، حس نمی‌کند. از اسلام به توسعه کوثری در برابر توسعه تکثاری قوامی آید.

توسعه تکثاری تنها دغدغه رشد مادی این جهان و دنیوی یعنی رشد جز:نگرانه را در نظر دارد اعم از اینکه توسعه اقتصادی تنها مقصود باشد یا اینکه توسعه سیاسی و فرهنگی در آن گنجانده شود و توسعه کوثری به رشد و تکامل همه جانبه می‌انديشد یعنی نه تنها توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در این مدل از توسعه لحاظ می‌شود بلکه توسعه مادی به همراه توسعه معنوی و توسعه و تکامل هستی‌شناختی انسان نیز در نظر گرفته می‌شود.

توسعه کوثری در برابر توسعه تکثاری، مسلمانان، انسان‌های موجود در آنه در وجود خودش، هم از ارزش‌های موجود در آنه در وجود خودش، بلکه در موجودی خودش می‌یابد. این البته همه جانبه است ولی توسعه تکثاری، انسان محور، دنیاگرا و غیر پایدار یا پایدار جز:نگرانه است. نتیجه توسعه تکثاری به تعبیر قرآن، بر اساس «ان الانسان لیطغی ان اراه استغنی» طغیانگری است در حالی که نتیجه توسعه کوثری، ایمانگرایی به همراه رفاه و امنیت دنیوی است.

کتاب

منتشر شد

درآمدی بر ظهور و افول تمدن‌ها



به گزارش گروه اندیشه روزنامه «جوان» کتاب تمدن شناسی «درآمدی بر ظهور و افول تمدن‌ها و وضعیت تمدنی انقلاب اسلامی» نوشته عطاءالله یگدلی، منتشر ظهور و سقوط تمدن‌ها در ادوار مختلف تاریخی از علل و عوامل متعددی سرچشمه می‌گیرد. علل و عواملی که نوع تحلیل و توجه به آن در ظهور و سقوط تمدن‌های دیگر بی‌تأثیر نخواهد بود. همین مسئله اساسی است که زمینه‌ساز توجه جدی اندیشمندان غربی علی‌الخصوص شرق‌شناسان پس از عصر روشنگری را به ننگارش و تحلیل تاریخی تمدن‌های بزرگ واداشته است و این تحلیل‌ها بستر ساز ساخت اندیشه‌ای اندیشمندان مشرق زمین گردیده و از همین‌رو در وابستگی اندیشه‌ای ما به غرب مراجعه کنند.

تأثیری غیر قابل انکار داشته است. تاریخ و علل ظهور و سقوط تمدن‌ها توسط اندیشمندان غربی، در دوران معاصر علمای اسلامی تلاش داشته‌اند تحلیل‌های تمدنی

برپایه یافته‌های مابانی اسلامی را احیاء و از خلال مباحث کلامی و معرفتی بسط و گسترش دهند. چنین ترائی از اندیشمندان اسلامی پایه‌گذار مبانی گردیده است که زمینه‌ساز شکل‌گیری انقلاب اسلامی شد. اثر حاضر که توسط عطاءالله یگدلی نوشته شده است، سعی دارد انگاره‌های تاریخی – تمدنی و دلایل ظهور و سقوط تمدن‌ها و وضعیت تمدنی انقلاب اسلامی را تحلیل کند. علاقه‌مندان جهت تهیه این اثر می‌توانند به سایت انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) مراجعه کنند.